



## نفوذ به زیر پوست جامعه

درحالی‌که شما این متن را می‌خوانید در هر دقیقه 115 نفر به جمعیت شهری جهان و در هر ساعت جمعیتی بالغ بر 6 هزار و 850 نفر به این جمعیت اضافه می‌شود و در هر سال نیز این رقم به 60 میلیون نفر می‌رسد.

### همشهری - عباس ثابتی راد:

درحالی‌که شما این متن را می‌خوانید در هر دقیقه 115 نفر به جمعیت شهری جهان و در هر ساعت جمعیتی بالغ بر 6 هزار و 850 نفر به این جمعیت اضافه می‌شود و در هر سال نیز این رقم به 60 میلیون نفر می‌رسد.

در واقع هر سال جمعیتی معادل جمعیت کشور فرانسه پذیرنده خدمات عمومی شهری و خدمات عمرانی و فرهنگی اجتماعی هستند. این ماجرا هر ساله رشدی بیشتر می‌یابد و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که در سال 2050 جمعیت شهرهای جهان به 12 میلیارد نفر برسد و این به معنای فاجعه خواهد بود؛ چرا که تمامی جوامع مولد و تولیدکننده به جوامع خدمات‌پذیر بدون چارچوب مشخص فرهنگی اجتماعی تبدیل می‌شوند اگر مدیران شهری تلاشی جدی در این باره انجام ندهند.

شهرها روز به روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند و جمعیت‌های انسانی بیشتری در آنها سکونت یابند. مرکز مطالعات جمعیت سازمان ملل در سال 2008 اعلام کرد که برای نخستین بار در تاریخ، نیمی از جمعیت کره زمین در شهرها ساکن شده‌اند. جامعه انسانی به سرعت از جمعیت مولد روستایی به جمعیت مصرف‌کننده و خدمات گیرنده شهری تبدیل می‌شوند. شهرها هم هر روز رشدی فزاینده می‌یابند اما داستان رشد شهرها تنها به گسترش جمعیت و افزایش حریم‌شان محدود نمی‌شود. شهرها در طول قرن‌های متمادی در کنار جمعیت‌پذیری به تدریج به بلوغ رسیده‌اند. هر شهر در گام اول برای زیست‌پذیر بودن باید خدمات اولیه عمومی را برای شهروندانش فراهم آورد. هر شهر در نگاه اول باید به شهروندانش خدمات‌رسانی مناسبی داشته باشد. تامین سرانه‌های خدماتی مناسب و امکان ارائه خدمات عمومی به شهروندان نخستین مرحله بلوغ مدیریت شهری است. در این مرحله است که شهرداری و نهاد مدیریت شهری، نهادی خدماتی محسوب می‌شود.

اما دومین مرحله به بلوغ رسیدن شهرها، زمانی است که شهرها به توسعه عمرانی و ساخت و سازهای گسترده در سطح شهر روی می‌آورند. در این مرحله شهرها به مثابه کارگاه‌های بزرگ قلمداد می‌شوند و برای تامین نیازهای اولیه شهروندان از جمله معابر و اماکن و فضاها، مدیریت شهری اقدام به ساخت‌وسازهایی می‌کنند. در این مرحله مدیران شهری، عموماً مدیران با رویکرد عمرانی هستند و الگوی توسعه شهری، ساخت‌وساز بیشتر خواهد بود. اما تکوین مدیریت شهری در شهرهای بزرگ زمانی است که مدیران شهری نه به هیات کسانی که قرار است نیازهای اولیه شهروندان و خدمات عمومی شهری را فراهم آورند و نه به عنوان مدیرانی عمرانی که به فکر ساخت و ساز و آبادانی شهر باشند بلکه به قامت طلایه‌داران فرهنگ یک شهر برخیزند. در این عرصه است که مدیران شهری به مثابه کسانی هستند که روح یک شهر را تجلی می‌بخشند. در مرحله تکوین مدیریت شهری، مدیران، با توسعه فعالیت‌های اجتماعی و گسترش نهادهای مختلف در شهرها تلاش می‌کنند تا شهروندان را به فعالیت‌های گسترده وادارند و در این مسیر شهروندان برای توسعه معنوی شهر تلاش بیشتری کنند.

در این مرحله است که یک شهر روح خاص خود را می‌یابد. در این مرحله است که شهر به مرکز بزرگ اجتماعات انسانی با فعالیت‌های انسان محور تبدیل می‌شود. واقعیت این است که در میان شهرهای جهان، شاید تعداد شهرهایی که به این سرانجام رسیده‌اند، انگشت شمار باشند؛ شهرهایی که با فعالیت‌های اجتماعی و توسعه فرهنگی توانسته‌اند، شهروندانش را به شهروندانی مسئولیت‌پذیر تبدیل کنند و روح همگرایی و مشارکت را در شهرهایشان توسعه دهند. این شهرها به تعبیر عامه شهرهایی زنده و پویا هستند. شهرهایی هستند که روح زندگی در آن جریان دارد.

### تلاش برای غریبه‌تر شدن

همزمان با توسعه شهرهای جهان و تغییر مناطق روستایی و مولد به شهرها، ساکنان این سرزمین‌ها هر روز با هم غریبه‌تر می‌شوند. کارشناسان معتقدند که مهاجرت به شهرها هم مناطق مبدا مهاجرت و هم مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روستاها و مناطق مقصد مهاجرت به دلیل کاهش نیروی انسانی در واقع بخش عظیمی از سرمایه‌های اجتماعی‌شان را از دست می‌دهند. از طرفی مناطق مبدا که مهاجرپذیرند، به دلیل گوناگونی فرهنگ مهاجران خاستگاه آسیب‌های کلان اجتماعی هستند. در کنار این مسائل نبود بستر اقتصادی مناسب برای جمعیت‌های شهری که مهاجرت کرده‌اند باعث فقر آنان می‌شود.

این واقعیت که 75 درصد فقرای جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند بیانگر تلاش‌های ناکافی مدیران شهری است که این شهرها را

اداره می‌کنند. درست است که بسیاری از کارشناسان اعلام می‌کنند که شهرها به دلیل حضور اجتماعات کلان انسانی ثروت‌های بالقوه‌ای هستند اما نبود خدمات عمومی شهر و سرانه‌های لازم این هشدار را به صورت جدی مطرح می‌کند که شهرها تنها بهشت‌های جذاب زندگی مدرن نیستند بلکه در صورت نبود سرانه‌های خدماتی فرهنگی و اجتماعی می‌توانند برای ساکنانشان به دوزخ‌هایی از سیمان و آهن تبدیل شوند. بنابراین طبیعی است که مدیران شهری هر چه بیشتر به رویکردهای فرهنگی و اجتماعی شهرهای بزرگ توجه کنند چرا که این شهرها با در اختیار داشتن جمعیت زیاد و نامتجانس، همانگونه که می‌توانند باعث توسعه تمدن بشری شوند، آن را به اضمحلال نیز بکشانند و این بزرگترین چالش هزاره سوم است.